

انتخابات پارلمانی و دورنمای سیاسی جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران

نویسنده: حسن شکاری

ایراس

یکشنبه ۱۶ آبان (۷ نوامبر ۲۰۱۰) چهارمین دوره ی انتخابات مجلس ملی جمهوری آذربایجان در حالی برگزار خواهد شد که احزاب و شخصیت های مختلف آمادگی خود را برای حضور در این نهاد اعلام کرده و به همین منظور در مبارزات انتخاباتی نیز حضور داشته اند. هرچند سازمان های مختلف داخلی و بین المللی در خصوص روندهای دموکراتیک در آذربایجان از جمله انتخابات ها در این کشور انتقادات زیادی را ایراد کرده و به ویژه دولت را به مدیریت روند انتخابات متهم می کنند، اما مقامات باکو با رد این اتهامات بر سلامت روند انتخابات و مبارزات پیش انتخاباتی تأکید دارند. انتخابات پارلمانی این دوره آذربایجان به دلایل مختلف دارای اهمیت است که از جمله می توان به این مهم اشاره کرد که دوره نمایندگی برندگان این رقابت سیاسی تا سال 2014 به طول خواهد انجامید و با انتخابات ریاست جمهوری سال 2013 مصادف می شود. لذا احزاب پیروز در انتخابات پارلمانی می توانند با تقویت موضع خود در قبال دولت و حزب حاکم، از موضع قوی تری وارد چانه زنی با مقامات حاکم شوند. بر همین اساس، اغلب گروه سیاسی در جمهوری آذربایجان به رغم تأکید بر اینکه به تبع این انتخابات تحولات عمده ای در گروه بندی های سیاسی حادث نخواهد شد، اما عزم خود را برای حضوری قوی در این انتخابات جزم کرده اند. در این بین باید به نکته اشاره کرد که هرچند احزاب اسلام گرا نیز نامزدهایی برای شرکت در این انتخابات معرفی کرده بودند، اما صلاحیت آنها تأیید نشد و از شرکت در انتخابات باز ماندند.

مقدمه

جمهوری آذربایجان با برگزاری انتخابات گوناگون طی ۱۹ سال گذشته تلاش کرده تا از نظر تعداد برگزاری انتخابات، خود را به عنوان کشوری دموکراتیک نشان دهد، اما با وجود تعداد زیاد انتخابات در این کشور با قطعیت نمی توان بیان کرد که در این کشور دموکراسی و مردم سالاری حاکم است. آذربایجان در گزارش سازمان های حقوق بشری از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، اقوام و اقلیت های غیر آذری نسبت به نداشتن حق تحزب و رد صلاحیت های گسترده در انتخابات توسط کمیسیون انتخابات به وضع موجود اعتراض دارند. احزاب مخالف نسبت به فرایند برگزاری انتخابات و نحوه رقابت های انتخاباتی انتقاد های شدیدی دارند و این عامل سبب افزایش انتقاد نهاد های غربی و بین المللی حامی دموکراسی نسبت به تخلفات و تقلب های انتخاباتی صورت گرفته توسط رژیم حاکم جمهوری آذربایجان شده است.

انتخابات چهارمین دوره ی انتخابات مجلس ملی جمهوری آذربایجان در ۱۶ آبان ماه سال ۱۳۸۹ (۷ نوامبر ۲۰۱۰) در حالی برگزار خواهد شد که رقابت بر سر کرسی های مجلس بین احزاب و شخصیت های مختلف سیاسی و جناح های مختلف از ماه های پیش با تشکیل بلوک های انتخاباتی کاملاً آشکار می باشد. انتخابات پارلمانی سال 2010 به دلایل مختلفی دارای اهمیت می باشد دلیل آن هم این است که دوره نمایندگی برندگان این دوره تا سال 2014 طول خواهد کشید و در این میان با انتخابات ریاست جمهوری سال 2013 مصادف می شود. در اختیار گرفتن کرسی های بیشتر در پارلمان می تواند جناح مخالف را در انتخابات دروه بعدی ریاست جمهوری از موضع قوی تر وارد چانه زنی با حزب حاکم کرده و امکان بیشتری برای رقابت با حزب حاکم برای آنها فراهم آورد. به گونه ای که این اهمیت سبب شده که همه گروه سیاسی جمهوری آذربایجان در این انتخابات مشارکت نمایند و از تحریم انتخابات صرف نظر کنند. در این راستا حتی احزاب اسلام گرا نیز در انتخابات کاندید معرفی کردند که صلاحیت آنها توسط کمیسیون مرکزی انتخابات تأیید نشد و از شرکت آنها در انتخابات ممانعت به عمل آمد.

شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی آذربایجان در آستانه انتخابات انتخابات پارلمانی جمهوری آذربایجان تحت تأثیر شرایط داخلی، بین المللی و منطقه ای خاصی برگزار می شود. [1] منطقه قفقاز جنوبی و به ویژه جمهوری آذربایجان در سال های اخیر و بعد از سال 2005 دارای اهمیت ویژه ای برای غرب شده است. با توجه این مساله نیز ارزش استراتژیک جمهوری آذربایجان برای غرب به سه دلیل افزایش یافته و در حال افزایش است. دلیل اول اینکه منابع نفت این کشور که از سال 2005 به بعد به وسیله یک خط لوله که به ترکیه منتهی می شود برای غرب قابل دسترس شده است. دلیل دوم این است که این کشور در مسیر دست یابی غرب به افغانستان و آسیای مرکزی جهت مبارزه با تروریسم قرار گرفته است و به این دلیل نقش مهمی در ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریسم ایفاء می کند. دلیل سوم نیز به نقش نمادین این کشور به عنوان یک کشور سکولار، مدرن و به صورت بالقوه یک کشور مسلمان دموکراتیک است که در مسیر برخورد تمدنی اسلام و مسیحیت قرار گرفته است.

هر سه مورد ذکر شده به صورت مستقل می توانست سبب تقویت جایگاه الهام علی یف در موقعیت اش باشد اما این موارد با تلاش جورج بوش رییس جمهور جمهوری خواه ایالات متحده همزمان شد که در طی آن بوش با تأکید بیشتری خواهان افزایش نهاد های دموکراتیک در منطقه خاورمیانه بزرگ شد. [2] در این بین جمهوری آذربایجان می توانست به عنوان یک نمونه موفق برای آزمون دکتترین بوش معرفی شود. بر این اساس دیگر آمریکا نمی توانست به تقلب در انتخابات یک متحد خود بی اعتنا باشد. این امر سبب شد که آمریکا نقش فعال تری را در مورد برگزاری صحیح انتخابات در پیش بگیرد و در راستای پیش برد این رویکرد کارکنان سفارت آمریکا و نمایندگان ویژه واشنگتن دستور دریافت کردند که بر برگزاری صحیح انتخابات نظارت کنند تا بدین وسیله احتمال وقوع نا آرامی و انقلاب در منطقه را کاهش دهند و هم اینکه دیگر مجبور نشوند که بین منافع استراتژیک ایالات متحده و فرایند دموکراتیزاسیون یکی را انتخاب کنند.

در کنار تلاش آمریکا برای بهبود در روند برگزاری انتخابات به صورت دموکراتیک و همچنین رشد ارزش های دموکراتیک در جامعه جمهوری آذربایجان، اتحادیه اروپا نیز که به تازگی از مشکلات ناشی پیوستن اعضای جدید خود رهایی یافته و در قالب سیاست برنامه های گوناگونی چون سیاست های همسایگی با شرق و سیاست همسایگی نزدیک در تلاش برای توسعه خود به سوی شرق است و در این راستا سعی دارد با ابزارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این کشور ها نفوذ کند. جمهوری آذربایجان نیز به علت نقش اساسی که در تامین امنیت انرژی اروپا دارد در معرض توجه اروپا قرار گرفته است. این مساله موجب شده است که اروپا برای تضمین ثبات پایدار در این کشور خواهان افزایش شاخص دموکراتیک و توسعه انسانی در این کشور شود و با حساسیت بیشتری روند برگزاری انتخابات را در این کشور پیگیری کند [3] و متعاقب آن توجه نهاد های بین المللی و سازمان های حقوق بشری و دموکراسی گرا به سوی جمهوری آذربایجان معطوف شده است.

این توجه و متعاقب آن افزایش فشار های بین المللی رژیم حاکم را در جمهوری آذربایجان ناچار کرده است که فرایند دموکراتیک تری را در انتخابات اجرا کند یا حداقل سعی کند این گونه وانمود کند که نمونه آن موافقت دولت جمهوری آذربایجان برای تسهیل شرایط نظارت بر انتخابات توسط ناظرین بین المللی می باشد که نمود آن را می توان موافقت این کشور با امکان پذیرش هیئت های ناظر انتخاباتی از 33 نهاد مختلف بین المللی و داخلی که تعداد آنها به حدود 33 هزار نفر می رسد و همچنین فراهم کردن شرایط برای 11 رسانه بین المللی که این انتخابات را پوشش دهند. [4] در سطح منطقه ای نیز تحولات سیاسی مهمی رخ داده است. مهم ترین این تحولات وقوع انقلاب های رنگی در کشورهای منطقه شامل قرقیزستان، اکراین، گرجستان و همچنین شکل گیری نظام های پارلمانی در گرجستان و قرقیزستان می باشد که سبب شد رژیم یا حزب حاکم در این کشور ها به صورت غیر خشونت آمیز تغییر یابد. این انقلاب ها که در کشورهای منطقه روی داد در چهار نکته مشترک بودند. که عبارت بودند از:

1- حکومت هایی که در این کشور ها در راس کار بودند محبوبیت خود را در بین مردم به علت ناتوانی در بهبود وضعیت اقتصادی مردم از دست داده بودند و دچار بحران مشروعیت بودند.

2- رهبران مخالفین دولت های حاکم از کارمندان سابق حکومتی رده بالا، شناخته شده و محبوب بودند که توانسته بودند بین نیروهای مخالف نوعی اتحاد برقرار کنند.

3- ساختار قانونی این کشور ها از یک سو راه حل مناسبی برای برون رفت از بحران اعتراض عمومی پیش بینی نکرده بود و از سوی دیگر امکان استفاده از نیروی قهری را به رژیم حاکم نداده بود. مساله ای که موجب شده است کشورهای که با انقلاب رنگی مواجهه شده اند به اصلاح در ساختار قانونی خود بپردازند و در بعضی نمونه ها حتی از رژیم ریاستی به سوی نظام پارلمانی سوق پیدا کنند.

4- به ویژه در اکراین و گرجستان مخالفین توسط نیروهای خارجی حمایت می شدند و به وسیله آنها سازماندهی شده بودند.

اما همین نقاط اشتراک این سه جمهوری سابق اتحاد شوروی موجب تمایز این سه کشور با جمهوری آذربایجان شده است. به صورتی که ساختار قانونی جمهوری آذربایجان در مواقع ضروری از رژیم حاکم حمایت کرده و امکان برخورد قهری را برای دولت فراهم کرده است، آقای علی یف به علت موفقیت در ثبت قرارداد های نفتی و سرمایه گذاری خارجی در بخش های مختلف و به ویژه در بخش استخراج منابع نفتی و گازی و کسب درآمد های کلان حاصل از این سرمایه گذاری ها توانسته است دوباره سیاست های حمایت اجتماعی دوره اتحاد شوروی را احیا کند و از این طریق محبوبیت زیادی بین مردم کسب کند.

از سوی دیگر به علت سیاست خارجی متوازی که علی یف در پیش گرفته است و اهمیت استراتژیک حفظ ثبات در جمهوری آذربایجان سبب شده است که بازیگران خارجی منطقه نیز علاقه ای به تغییر رژیم و بی ثباتی در این کشور نداشته باشند. و در نهایت این که به دلایل مختلف که می تواند ناشی از فرهنگ سیاسی مردم آذربایجان باشد نیروهای مخالف فاقد رهبری منسجم هستند و در میان آنها اختلاف های زیادی وجود دارد که مانع از شکل گیری یک اتحاد منسجم و پایدار در میان مخالفین دولت شده است، اما با توجه به تحولاتی که در ساختار کشورهای منطقه در انتقال از نظام ریاستی به نظام پارلمانی رخ داده، می توان نتیجه گرفت که علی یف و حزب آذربایجان نوین برای جلوگیری از سرایت این الگو در داخل کشور خود سعی کنند که چهره ای دموکراتیک تر و مطلوب تر را از خود با برگزاری یک انتخابات به ظاهر دموکراتیک نشان دهند.

در بررسی شرایط داخلی این منطقه نیز می توان به تحولات اجتماعی و سیاسی در جمهوری آذربایجان پرداخت. در بعد اجتماعی به تحولات اجتماعی مهمی می توان اشاره کرد که در جمهوری آذربایجان رخ داده است که یکی از این تحولات را می توان در تغییر فضای فکری مردم جمهوری آذربایجان مشاهده نمود [5]. فروپاشی اتحاد شوروی با مبارزات ملی مردم و تلاش برای یافتن هویت ملی در جمهوری آذربایجان همزمان شد که بر پایه ایدئولوژی ناسیونالیستی بود. فضای رقابت سیاسی در آن دوره نیز بر مبنای این ایدئولوژی شکل می گرفت. شعار های رهبران سیاسی، نام احزاب سیاسی و خط مشی آنها نیز بر مبنای این ایدئولوژی شکل می گرفت و متعاقب آن وعده های انتخاباتی احزاب و گروه های سیاسی حفظ استقلال و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان بود.

اما با برقراری آتش بس بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان حزب آذربایجان نوین و به ویژه رهبر آن آقای حیدر علی یف اقدام به اصلاحات اقتصادی نمود. این اصلاحات که هدف آن انتقال از نظام متمرکز اقتصادی به سیستم بازار آزاد لیبرالی بود علاوه بر بخش اقتصاد موجب تحول در ساکشور نیز شد. اتخاذ سیاست های لیبرالی و رشد اقتصادی ناشی از آن موجب تحولات عمیقی در ساختار طبقاتی و قشر بندی جمهوری آذربایجان شده است. از یک سو سیاست های لیبرالی موجب تضعیف اقشار کم درآمد شده و موجب افزایش فقر شد و فاصله طبقاتی را افزایش داد. از سوی دیگر این سیاست ها موجب ایجاد و گسترش طبقه متوسط ای در جمهوری آذربایجان شده که بر خلاف طبقه متوسط کشورهای غربی که مستقل بودند از عدم استقلال و وابستگی به رانت های دولتی رنج می برد.

این تحولات اجتماعی موجب تحول فضای ذهنی ایدئولوژیک مردم به ذهنیتی عمل گرا و فایده گرا شده است. این تحول و تغییرات ساختاری اقتصادی این کشور موجب تغییر ماهیت قدرت سیاسی والگوی رقابت سیاسی در جمهوری آذربایجان شده است. قدرت سیاسی در دوران اتحاد شوروی بر مبنای دست یابی به پستی در کادر حزب کمونیست و یا بخش های اداری آن بود. [6] در دوران بعد از فروپاشی مردم در جستجوی هویت بودند و این سبب می شد که بر اساس نیاز هویتی مردم منابع هویت ساز که همان روشنفکران ناسیونالیست آذری بودند و در ساختن و تعریف هویت مردم به عنوان مرجع شناخته می شدند بتوانند راهبر و جهت دهنده مردم باشند و قدرت سیاسی را به دست بگیرند. در این فضا بود که اعضای حزب جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ایلچی بی که خود را جانشین و نماینده ناسیونالیسم آذری سال 1920 می دانست توانست به قدرت برسد. در این دوره احزاب سیاسی شکل گرفتند که خطی مشی خود را بر مبنای مسایل ایدئولوژیکی تعریف می کردند و خود را نماینده واقعی اولین ناسیونالیست های آذری چون رسول زاده می دانستند در این بین نیز مطالبات مردمی نیز در این سو حرکت می کرد و آرای کسب شده نیز این ماهیت را داشت بدین ترتیب الگوی رقابت سیاسی نیز بر این اساس شکل می گرفت.

رقابت سیاسی و انتخابات

شکست آذری ها در جبهه جنگ با ارمنی ها و مواجهه این کشور با بحران های اقتصادی ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی سبب شد که این فضای ایدئولوژیک به زودی تغییر کند و ذهنیت فکری جامعه به سوی عمل گرایی و مصلحت گرایی سوق پیدا کند. این تغییر فضای فکری موجب شد ماهیت قدرت سیاسی از مراجع دانش و تفکر به سوی مراجع اقتصادی سوق پیدا کند و دارا بودن توان اقتصادی مبنای دست یابی به قدرت سیاسی شود و از ابزار های گوناگون قدرت بهره مند شوند. این فرایند سبب شد احزابی که از شناخت و تطبیق خود با این فضای جدید ناتوان بودند محبوبیت و قدرت خود را از دست بدهند. احزابی که از یک سو به لحاظ قانونی مجاز به فعالیت اقتصادی نبودند و از سوی دیگر به خاطر عوامل مختلفی چون ماهیت سکولار خود از مبنای اجتماعی و مردمی بهره مند نبودند و تعداد اعضای آنها از چند هزار عضو فراتر نیست و روز به روز نیز ضعیف تر می شوند. این عوامل و همچنین عدم وجود یک بورژوازی مستقل ملی که از دولت مستقل باشد و بتواند متحد این بخش از جامعه سیاسی جمهوری آذربایجان باشد سبب شده است که احزاب سیاسی مخالف به حاشیه رقابت سیاسی در این جمهوری سابق اتحاد شوروی سوق داده شوند.

در مقابل احزاب سیاسی مخالف، حزب حاکم جمهوری آذربایجان یعنی حزب آذربایجان نوین که به ریاست الهام علی یف می باشد توانسته است با توسعه ابزار کنترلی خود بر بخش های مختلف قدرت در جمهوری آذربایجان به خوبی خود را با این تحولات تطبیق دهد. حزب حاکم جمهوری آذربایجان با حمایت از اصلاحات اقتصادی در این کشور توانست بر محبوبیت خود بیفزاید. موفقیت این حزب در جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش انرژی سبب رشد اقتصادی سریعی در این کشور شده است که خود موجب افزون تر شدن محبوبیت این حزب و به ویژه رهبر آن در جمهوری آذربایجان شده است.

در کنار رشد اقتصادی و افزایش محبوبیت سیاسی این حزب در فضای عمومی، آقای علی یف سعی کرده که ابزار کنترلی دیگری نیز برای تضمین نفوذ و قدرت خود کسب کند. در این راستا آقای علی یف سعی کرده است در کنار تقویت قدرت نهاد ریاست جمهوری و تقویت اقتدار گرایی به توزیع رانت نیز به معتمدین خود بپردازد. اقتدار گرایی به عنوان نتیجه حکومت متمرکز اتحاد شوروی توانسته است در جمهوری آذربایجان با نوعی پاتریمونالیسم همراه شود که بر مبنای توزیع رانت های حاصل از منابع انرژی تقویت می شود. این امر سبب شده است که نخبگان اقتصادی جدید که نوعی بورژوازی وابسته به رانت می باشند به علت دست یابی به مزایای بهتر و قراردادهای کلان تر به حمایت از رژیم حاکم و نخبگان سیاسی حاکم بپردازند و این سبب شده که رژیم حاکم از امکان تبلیغی بالایی برای موفقیت در انتخابات برخوردار شود.

علاوه بر احزاب و بلوک های سیاسی مخالف و حزب حاکم جمهوری آذربایجان، بازیگران دیگری نیز در ساختار انتخاباتی جمهوری آذربایجان وجود دارد که شامل نمایندگان مستقل و غیر حزبی می باشند. آن طور که بیان شد احزاب سیاسی در جمهوری آذربایجان به علت تغییر پارادایمی که در جامعه آذربایجان رخ داده از مبنای اجتماعی ضعیفی برخوردار هستند. از سوی دیگر حزب حاکم نیز به همان دلیل ذهنی که ذکر شد مبنای اجتماعی خود را از دست داده است [7] و به ناچار برای تضمین بقای خود در صحنه سیاسی به تغییر و اصلاح استراتژی انتخاباتی خود اقدام نمود. بر اساس این تغییر در استراتژی، این حزب تصمیم گرفت که علاوه بر جوان گرایی در نامزدهای معرفی شده خود، افرادی را در بعضی از شعبه های انتخاباتی خود معرفی کرد که عضو حزب نبوده اند، ولی در شعبه انتخاباتی خود از اعتبار مناسبی برخوردار بودند. [8] این افراد غالباً به علت توان مالی یا اعتبار فامیلی خود در منطقه از اعتبار بالایی برخوردار بوده اند که به نظر می رسد برای پیروزی در انتخابات نیاز

به حمایت حزب حاکم داشتند.

با بررسی برندگان انتخاباتی در این کشور می توان متوجه شد که همواره درصد بالایی از آنها افرادی بوده اند که به صورت مستقل و غیر حزبی شرکت کرده اند که این درصد نیز در حال افزایش است [9] و در این انتخابات موجب شده که حزب حاکم نیز به پذیرش آنها و حمایت از آنها مبادرت ورزد تا بتواند امکان موفقیت خود را با این استراتژی بالا ببرد. در زیر ما در قالب جدول سعی کردیم توزیع کرسی های نمایندگی را از دوره اول انتخابات پارلمانی تاکنون نشان دهیم و در جدول آخر نیز به تعداد کامدیاهای معرفی شده هر کدام از احزاب و بلوک های انتخاباتی اشاره ای داشته ایم. قابل ذکر است که احزاب مخالف سعی کرده اند به مانند انتخابات گذشته به ائتلاف ها و بلوک بندی هایی دست بزنند که امکان بقای خود را در فضای سیاسی جمهوری آذربایجان با کسب کرسی های بیشتر افزایش دهند.

از مهم ترین این بلوک ها می توان به بلوک انتخاباتی حزب مساوات به رهبری عیسی قنبر و جبهه خلق مدرن به رهبری علی کریمیلی اشاره کرد که ائتلاف خود را بر پایه راه و خط مشی ابولفضل ایچی بیگ و رسول زاده تشکیل داده اند و حتی در بیانیه های خود از اتحاد بین دو حزب در دوران بعد از انتخابات نیز صحبت به میان آورده اند. لازم به ذکر است که این حزب به نوعی تحت حمایت غرب می باشد و در زمانی که کمیسیون مرکزی انتخابات رد صلاحیت گسترده ای را در میان احزاب مخالف صورت داده بود با حمایت و به ویژه آمریکا چند نامزد رد صلاحیت شده این احزاب مجدد توانستند مجوز شرکت در انتخابات را کسب کنند.

انتخابات پارلمانی سال 1990 (حاکمیت اتحاد شوروی)

احزاب و بلوک های انتخاباتی

کرسی نمایندگی

280

45

15

20

360

حزب کمونیست آذربایجان

جبهه خلق آذربایجان

کاندیدا های مستقل

کرس های خالی

کل کرسی ها

نتایج انتخابات پارلمانی سال 1996 - 1995

احزاب و بلوک های انتخاباتی

کرسی نمایندگان

19

3

3

99

124

حزب آذربایجان نوین

جبهه خلق آذربایجان

حزب استقلال ملی آذربایجان

حوزه های تک نماینده که 55 نفر مستقل بودند

تمام کرسی به استثنای یک کرسی که ابطال شد

نتایج انتخابات پارلمانی سال 2000-2001

احزاب و بلوک های سیاسی

کرسی نمایندگی

75

6

3

2

2

2

0 ولی 1/3 درصد آراء را اخذ کردند

0 ولی 1/1 درصد آراء را اخذ کردند

1

1

1

1

29

125

حزب آذربایجان نوین

حزب جبهه خلق آذربایجان

حزب همبستگی مدنی

حزب کمونیست آذربایجان

حزب مساوات

حزب استقلال ملی آذربایجان

حزب لیبرال آذربایجان

حزب دموکرات آذربایجان

حزب اتحاد به خاطر آذربایجان

حزب رفاه اجتماعی آذربایجان

حزب سرزمین مادری

حزب هم وطن

شرکت کننده مستقل

کل کرسی ها

نتایج انتخابات پارلمانی سال 2005

احزاب سیاسی و بلوک های سیاسی

کرسی نمایندگی

61

6

2

3

1

1

1

1

1

1

1

43

3

125

حزب آذربایجان نوین

بلوک آزادی (حزب مساوات، حزب جبهه خلق و حزب دموکرات آذربایجان)

حزب آنا وطن

حزب همبستگی مدنی

حزب امید آذربایجان

حزب رفاه اجتماعی آذربایجان

حزب عدالت آذربایجان

حزب اصلاحات دموکراتیک آذربایجان

حزب جبهه خلق آذربایجان واحد

حزب نظم بزرگ

حزب اتحاد مدنی

نمایندگان غیر حزبی

افرادی که وابستگی حزب خود را اعلام نکرده اند

کل کرسی ها

وابستگی حزبی کاندیدا های حاضر در انتخابات پارلمانی سال 2010

111 حزب آذربایجان نوین

37 بلوک مساوات – جبهه خلق

32 بلوک انتخاباتی قره باغ (حزب دموکرات و حزب امید)

31	بلوک اصلاحات (احزاب جبهه خلق عمومی، سازندگی بزرگ و عدالت آذربایجان)
30	حزب جبهه خلق کلاسیک
25	حزب استقلال ملی آذربایجان
22	حزب دموکراتیک جهانی آذربایجان
21	بلوک انسانی (حزب لیبرال، حزب توسعه و همبستگی شهروندان آذربایجان و حزب سبزه‌های آذربایجان)
18	بلوک دموکراسی (حزب همبستگی شهروندان آذربایجان و حزب اصلاحات دموکراتیک آذربایجان)
7	حزب آنا وطن
7	حزب مساوات مدرن آذربایجان
3	حزب دموکراتیک ملی آذربایجان
2	حزب توسعه اجتماعی آذربایجان
1	حزب ترقی آذربایجان
7	گروه ابتکاری
380	ابتکار شخصی
734	کل کاندیداها

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ذکر شده می توان گفت که این انتخابات در شرایط بین المللی، منطقه ای و داخلی خاصی برگزار می شود. در سطح بین المللی بازیگران فرا منطقه ای به دلایل اهمیت استراتژیکی، اقتصادی و حتی فرهنگی خواهان حفظ ثبات در این کشور هستند، ولی از سوی دیگر نگران توسعه ثبات پایدار در این منطقه هستند و در این راستا برای جلوگیری از رشد افراط گرایی با تقویت حزب حاکم از برنده شده احزاب غرب گرا نیز حمایت می کنند. در سطح منطقه ای وقوع تحولات سیاسی چون ایجاد نظام های پارلمانی، حزب حاکم را به سوی اصلاحات سیاسی سوق داده است. در سطح داخلی نیز حزب حاکم با توجه به تغییر الگوی رای مردم به سوی اهدافی کارکردی سعی کرده اند که استراتژی انتخاباتی خود را بر این اساس تعریف کنند و نتیجه این که ما در این انتخابات با تحولی بنیادین در نتایج انتخابات مواجه نخواهیم شد و به جزء افزایش در تعداد نمایندگان مستقل روند سابق با اکثریت نسبی حزب حاکم ادامه خواهد داشت.

منابع و پی نوشت ها

- SvanteCornell,"Azerbaijan's Parliamentary Elections: A Step Forward", Argentine Center of International Studies, 10 October 2010[1]
<http://www.caei.com.ar/es/programas/cei/P08.pdf>
- Cornell, ibid[2]
- Daria Vaisman,"IS AN AMERICAN POLLSTER HELPING TO STEAL AZERBAIJAN'S SELECTION?", 10 September 2010[3]
<http://quirkglobalstrategies.com/blog/wp-content/uploads/2007/09/Poll%20Stir.doc>
- ، 2 نوامبر 2010؛ "بیش از هزار ناظر بین المللی جهت انجام مشاهدات در انتخابات پارلمانی آذربایجان ثبت نام کرده اند[4]
<http://fa.trend.az/news/elections2010/1775501.html>
- Fariz Ismailzade, "RULING PARTY CONTINUES TO LOSE GROUND IN AZERBAIJAN", Eurasia Daily Monitor , 7 March, 2006[5]
[http://www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews\[tt_news\]=31458](http://www.jamestown.org/single/?no_cache=1&tx_ttnews[tt_news]=31458)
- Gül Berna Özcan, "Building States and Markets: Enterprise Development in Central Asia", Palgrave Macmillan , March 2010[6]
- Fariz Ismailzade, "TOWARDS A BI-PARTY SYSTEM IN AZERBAIJAN", CACI Analyst, 2 September 2005[7]
<http://www.cacianalyst.org/?q=node/2778>
- Idquo;Elections 2010. Initial Stage of the Parliamentary Elections: Who is ready?", SAM Center for Strategic Studies under the President of the Republic of Azerbaijan, 1 September 2010
<http://sam.gov.az/en/publications/elections-2010-initial-stage-parliamentary-elections-who-ready>
- Idquo;SUISSE Nationalrat - Conseil national - Consiglio nazionale", UNION INTERPARLEMENTAIRE, 1 JAN 2010[9]
http://www.ipu.org/parline-f/reports/1305_E.htm
- CIA, "The CIA's THE WORLD FACTBOOK 1995", University of Missouri-St. Louis, 10 January 1996[10]
<http://permanent.access.gpo.gov/lps35389/1995/wf950018.htm>
- Central Election Commission, "The parliamentary elections in the Republic of Azerbaijan in 1995", 12 November 1996 [11]
<http://www.cec.gov.az/en/common/election-referendum/1995.htm>
- osce, "REPUBLIC OF AZERBAIJAN REVIEW OF THE LAW ON PARLIAMENTARY ELECTIONS", 22 August 2000[12]
http://www.osce.org/documents/odjhr/2000/08/1348_en.pdf
- Central Election Commission. "Elections to the Milli Majlis- November 6, 2005", 20 May 2001[13]
<http://www.cec.gov.az/en/4millimajlis2005/report/report.htm>
- Central Election Commission, "INFORMATION on the nomination and party affiliation of registered candidates", 3 November 2010[14]
http://www.cec.gov.az/en/parliamentary2010/statistics/statistics_parties.htm